



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمانه: ۱۰ صبح | نمره: ۱۴ | مدت: ۹۰ دقیقه

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷  
رشته فلسفه ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

کتابخانه: ۳۹۷۱/۰۵
تاریخ: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴
موضوع: فلسفه اسلامی ۵
کتاب: نهایت الحکمة
نمره: جلد چهارم: مرحله دوازدهم (ص ۱۲۵۶-۱۰۳۹)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... نام مدرسه: ..... شهر: ..... استان: .....

۰/۵

۱- گزینه صحیح را در مورد «برهان وجوب و امکان»، مشخص کنید. ص ۱۰۵۴ (امتحانات نیمسال دوم ۹۱-۹۲)

- الف. برهان آنی است و مفید یقین نیست.
- ب. برهان لمی است و مفید یقین است.
- ج. برهان آنی است و مفید یقین است.
- د. همان برهان صدیقین است.

۰/۵

۲- کدام یک از گزینه‌های زیر بیانگر دیدگاه «کرامیه» راجع به صفات خداوند است؟ ص ۱۱۱۹ (امتحانات نیمسال دوم ۹۰-۸۹)

- الف. هذه الصفات زائدة على الذات لازمة لها قديمة بقدمها
- ب. هذه الصفات عين الذات و هي مترادفة بمعنى واحد
- ج. هذه الصفات زائدة حادثة
- د. نیابة الذات عن الصفات

۰/۵

۳- کدام گزینه بیانگر مفهوم «عنایت» در فلسفه می‌باشد؟ ص ۱۱۳۸ (امتحانات نیمسال اول ۹۰-۸۹)

- الف. هی وجود الصور العقلية لجميع الموجودات فائضة عنه تعالى على سبيل الابداع
- ب. هی کون الصور العلمية علة موجبة للمعلوم الذي هو الفعل
- ج. هو العلم الذاتي الذي لا ينفك عن الذات و مبدء للصفات
- د. هو الارادة لفاعل المختار و مشيئته

۰/۵

۴- منظور از «لازم» در عبارت «قدرته تعالی هی مبدئیته للايجاد و علیته لما سواه؛ و هی عين الذات المتعالية و لازم ذلك...» کدام است؟

۰/۵

ص ۱۲۵۳ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۱-۹۰)

- الف. دوام عالم طبیعت
- ب. دوام قدرت
- ج. دوام علم
- د. دوام فیض

۰/۵

۵- کوتاهترین تقریر «برهان صدیقین» را نوشته، بفرمایید چرا این برهان را به این نام می‌نامند؟ ص ۱۰۴۳ - ۱/۵ نمره (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۱-۹۰)

۱/۵

جواب: حقیقت وجود یا واجب بالذات است یا مستلزم واجب بالذات و هر کدام از دو شقّ باشد واجب الوجود بالذات اثبات می‌شود. (۱ نمره)

زیرا صدیقین خداوند را بدون واسطه می‌شناسند و این برهان نیز بدون واسطه غیر، خداوند را اثبات می‌کند [از لازمی به لازم دیگر می‌رسد]. (۰/۵ نمره)

۶- عبارت «فان المقدمّة القائل: (إنّ ما لا یخلو عن الحوادث فهو حادث) لا یبینه و لا مبنیة و تغییر اعراض الجوهر عندهم غیر ملازم لتغییر الجواهر الذي هو موضوعها نعم لو بنی علی الحركة الجوهرية تمّت المقدمّة و نجحت الحجة» را توضیح داده، اشکال مطرح مربوط به کدام برهان از برهین اثبات واجب تعالی است؟ ص ۱۰۶۲ س ۳ و ص ۱۰۶۳ س ۱ - ۱/۵ نمره (امتحانات تکمیلی نیمسال دوم ۹۵-۹۴)

۱/۵

جواب:

اشکال مربوط به برهان از راه حدوث اجسام است برای اثبات واجب تعالی. (۰/۵ نمره) در این برهان مقدمه دومش این است که «إنّ ما لا یخلو عن الحوادث فهو حادث» [با توجه به این مقدمه جسم که از حرکت و سکون که حادثند خالی نیست در نتیجه حادث است] این مقدمه نه بدیهی است و نه دلیلی بر آن اقامه شده است و تغییر اعراض به عقیده این گروه یعنی متکلمین ملازم با تغییر جوهر نیست. لکن اگر حرکت جوهری را بپذیریم و این برهان را بر اساس آن بنا کنیم مقدمه استدلال تمام است. (۱ نمره)

۷- مراد از عبارت «بسیط الحقیقة کل الاشیاء و لیس بشیء منها» چیست؟ دلیل آن را بنویسید. ص ۱۰۸۳ س ۱ - ۱/۵ نمره (امتحانات تکمیلی

۱/۵

نیمسال اول ۹۱-۹۰ و شهریور ۹۲-۹۱) (آزمون مدارج علمی آبان ۹۳) (آزمون مدارج علمی آبان ۹۴)

جواب: آنچه حقیقت ذاتش بسیط است کمال هر موجودی را واجد است یعنی کمالات موجودات را به نحو برتر در خود دارد، همان طور که علت واجد کمال معلول است و در عین حال یک نحوه تبیین که حمل شایع میان آن دو را ممتنع می‌سازد، با معلول خود دارد. (۰/۷۵ نمره)

دلیل این مطلب: هر امری که بسیط حقیقی باشد نمی‌تواند فاقد هیچ کمالی از کمالات باشد زیرا در این صورت مرکب از وجود و عدم خواهد بود، بنابر این بسیط الحقیقة کل الاشیاء است. در عین حال نمی‌توان وجودهای ممکن را بر آن حمل نمود زیرا از آنجا که وجودهای امکانی مرکب از جهات نقص و کمال هستند، لازمه حمل آن‌ها بر بسیط الحقیقة، مرکب او خواهد بود. (۰/۷۵ نمره)

۸- صفات «ذات» و «فعل» چه تفاوتی دارند؟ برای صفات «حقیقیة ذات الاضافه» و «اضافیه» مثالی بزنید. ص ۱۱۱۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب:

صفات ذات، یعنی صفاتی که فرض ذات به تنهایی برای انتزاع آن‌ها کفایت می‌کند ولی صفات فعل صفاتی هستند که فرض آن‌ها منوط به غیر است، [و چون غیر واجب تعالی، هر چه هست فعل او است در نتیجه صفات فعل منتزع از مقام فعل حق تعالی می‌باشد.] (۱ نمره) صفات اضافیه مانند عالمیت، قادریت، اما صفات حقیقیة ذات الاضافه مانند خالق و رازق (۰/۷۵ نمره)

۹- آیا می‌توان خداوند متعال را فاعل تمام افعال دانست؟ پاسخ را توضیح دهید. ص ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: بله به یک لحاظ می‌توان خداوند را فاعل تمام افعال دانست. بیان مطلب اینکه وجود معلول به نسبت علت، یک وجود رابط و غیر مستقل است. پس وجودات امکانی نسبت به وجود واجب بالذات رابط، و غیر مستقل از آن هستند؛ پس یک ذات واحد مستقل در وجود می‌باشد که مقوم این روابط است. پس تمام ذوات امکانی و صفات و افعالشان فعل آن هستند.

۱۰- جواب صدر المتألهین<sup>(ه)</sup> به اشکال مطرح شده در عبارت «انّ الالم من الادراک غیر تفرّق الاتصال الحاصل بالقطع مثلاً، و هو أمر

وجودی بالوجدان؛ و ینتقض به قولهم: انّ الشر بالذات عدمی» را بنویسید. ص ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ و ۱۲۰۲ - ۱/۵ نمره (امتحانات نیمسال دوم ۹۱-۹۰)

۱/۵

جواب:

پاسخ صدر المتألهین: ألم و درد عبارت است از: «ادراک حضوری یک امر منافی عدمی» (یعنی با علمی که خود معلوم نزد عالم حاضر می‌گردد.) و لذا نمی‌توان گفت هنگام احساس درد، دو چیز تحقق می‌یابد یکی جدا شدن اتصال اعضاء و دیگری صورت ذهنی آن، اما درد اگر چه نوعی ادراک است اما از افراد عدم به شمار می‌آید و از طرفی اگر چه یک نوع عدم است اما از نوعی ثبوت در حدّ ثبوت اعدام ملکات برخوردار است.

۱۱- قاعده «امکان اشرف» چیست و از نظر علامه<sup>(ه)</sup> مجرای آن کجا است؟ ص ۱۲۲۶ س ۶ - ۱/۵ نمره (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۰-۸۹)

۱/۵

(امتحانات نیمسال اول ۹۲-۹۱)

جواب: قاعده امکان اشرف می‌گوید: هرگاه شیئی ممکن تحقق یابد که کمالات وجودیش کمتر از شیئی ممکن دیگر است، آن ممکن شریف‌تر باید پیش از آن موجود باشد بشرط اینکه هر دو تحت یک ماهیت نوعیه باشند. (۱ نمره) از نظر علامه (ره) این قاعده تنها در مورد مجردات جاری می‌گردد و در مورد امور مادی این قاعده جاری نیست. (۰/۷۵ نمره)

۱۲- موضوع بحث در عبارت «انّ الوجودات الامکانیة منقطعة من طرف البداية، فلا موجود قبلها الا الواجب تعالی و الزمان ذاهب من

الجانبین الی غیر النهایة و صدره خال عن العالم، و ذیله مشغول به ظرف له.» چیست؟ و پاسخ مرحوم علامه<sup>(ه)</sup> به این ادعا را بنویسید.

۱/۵

ص ۱۲۵۱ س ۲ تا ۱۰ - ۱/۵ نمره (امتحانات تکمیلی نیمسال دوم ۹۰-۸۹)

جواب: محل بحث: دیدگاه متکلمان مبنی بر حدوث زمانی عالم. (۰/۷۵ نمره)

[ادعای مطرح شده: موجودات امکانی از جانب ابتدا منقطع و منتهی‌اند، زیرا قبل از آن‌ها واجب الوجود وجود دارد. اما زمان از دو طرف ابتدا و انتها بی‌نهایت است و در بخشی از ابتدای آن، عالم موجود است. یعنی زمانی بوده که عالم نبوده و سپس عالم ایجاد شده است.]

نقد مرحوم علامه: ۱. زمان، ممکن الوجود و مخلوق واجب تعالی و جزئی از عالم است. غیر از واجب الوجود و فعل او، چیز دیگری نیست که آن چیز به عنوان ظرف باشد و عالم در آن‌ها ظرف نباشد. ۲. نامتناهی دانستن زمان در جانب ابتدا، به اعتقاد متکلمان با استحاله قدیم زمانی در تناقض است. ۳. نامتناهی بودن زمان، ملازم با قدیم بودن عالم است و با اعتقاد متکلمان به حدوث زمانی عالم، در تناقض است. زیرا زمان، کمّ عارض بر حرکت است و حرکت قائم به جسم است. عدم تناهی زمان مستلزم عدم تناهی اجسام و عدم تناهی اجسام به معنای قدیم بودن عالم است. (۱ نمره)